

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از : لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش بیست و پنجم

۱۰ اپریل ۲۰۱۴

۲- در هم شکستن جریان فراکسیونیستی سازمان بر افکن، و استقرار وحدت در حزب

پس از کنفرانس مشورتی کادر های فعال حزب، آناستاس لولا و صدیق پرمت نه فقط از فعالیت خرابکارانه خویش علیه حزب دست نکشیدند بلکه آن را گسترش دادند. آنها در کنفرانس گروه های کمونیست برای تأسیس حزب، عهد کرده بودند که تابع اراده اکثریت و رهنمود های کمیته مرکزی باشند. ولی قول آنها دروغ محض بود. آنها از دشواری های بزرگی که حزب کمونیست جوان البانی می بایست از پیش بردارد استفاده کردند و با کلیه وسائل و به هزار شیوه به خرابکاری در تحکیم سازمانی حزب و اجرای وظائف سیاسی وی دست زدند. آناستاس لولا و صدیق پرمت روابط خود را با عده کثیری از اعضای سابق گروه «جوانان» حفظ کرده بودند، به همراه آنها، با نقض مقررات و موازین حزبی در جلساتی به منظور های «سازمانی» و «آموزشی» شرکت می جستند و رهنمود هائی مخالف رهنمود های کمیته مرکزی به اعضای آن جلسات می دادند. به علاوه نوشته های تئوریک و تبلیغاتی را تماماً به حزب تسلیم نکرده بودند، همچنین مصالح چاپ و صندوق مالی گروه خود را.

فراکسیونیست ها به مبارزه با مشی عمومی حزب قویاً ادامه دادند و به طور مداوم در فعالیت انقلابی کمیته مرکزی، کمیته های منطقه ئی و حوزه ها خرابکاری کردند.

آنها به اعضای فراکسیون خویش وظیفه می دادند که «لیاقت بیشتر» و «آمادگی تئوریک کامل تر» خویش را به رخ بکشند و به این وسیله مقامات رهبری را در دست بگیرند تا از آنجا برای قبضه کردن رهبری کمیته مرکزی مبارزه کند.

فراکسیونیست ها برای نیل به مقاصد خویش رهبری مرکزی و رهبران منطقه ئی حزب را به عنوان آماج عمده حملات خود انتخاب کرده بودند و آنها را متهم می ساختند که ناشایسته اند، بی فرهنگ اند، فقط فرماندهی بلد اند نه رهبری.

فراکسیون نیست ها فریاد می کشیدند که به گروه «جوانان» که به ادعای آنان در کمیته مرکزی و در کمیته های منطقه ئی حزب به نسبتی شایسته خویش نماینده نداشت «ظلم» شده است و می طلبیدند که این وضع عوض شود.

آناستاس لولا و صدیق پرمت و همراهانشان به ناخشنودی عناصر جاه طلب، مقام پرست و پر مدعا، اعضای سابق سایر گروه های کمونیست، عمداً دامن می زدند و در جلب آنها می کوشیدند. آنها را بر این مطالبه بر می انگیزتند که چرا در حزب از مقامات مسؤولیت داری که در اثر شایستگی و کاردانی به آنها واگذار شده بو، بر کنار شده اند!

گروه فراکسیون نیست فعالیت خصمانه خود را در سراسر کشور گسترش داده بود ولی در تیرانا فعالیت از همه جا بود.

جای هیچ تردیدی نبود که یک جریان فراکسیون نیستی ضد حزب که دارای ارتباطات سازمانی خویش و پلاتفرم سیاسی خویش می باشد در درون حزب به وجود آمده است. پلات فرم سیاسی فراکسیون نیست ها تشکیل می شد از نظریات معروف سازمان بر افکن در باره عدم امکان مبارزه مسلح، عدم امکان فعالیت ثمر بخش بین ناسیونالیست ها و دهقانان، عدم اعتماد به ائتلاف ضد فاشیستی و به ویژه به نقش نجات بخش اتحاد شوروی در این جنگ.

وضع واقعاً نگرانی آور بود. حزب کمونیست جوانان البانی که از خارج در زیر ضربات فاشیست های ایتالیائی و ترنسکیست های گروه زژاری و از داخل در زیر ضربات فراکسیون نیست های سازمان بر افکن قرار داشت در معرض انهدام بود.

برخی از قرائن باعث این فکر می شد که یک جاسوس فتنه انگیز فاشیست در صفوف حزب مشغول کار است. رخنه دشمن به پولیس امکان داده بود که عده ای از کمونیست ها و میهن پرستان بی حزب را زندانی کند. کمال استافا، دبیر سیاسی کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست قربانی عملیات همین جاسوس ها شده وی در ۵ مه ۱۹۴۳ در تیرانا در محاصره پولیس و سربازان گرفتار آمد و قهرمانانه در نبرد بر خاک افتاد.

همچنین فاشیست ها موفق شدند وسائل چاپ و بایگانی کمیته مرکزی و کمیته منطقه ئی تیرانا را کشف و تصرف کنند.

وحدت کامل در حزب وجود نداشت، و حزب بدون وحدت استوار ایدئولوژیک و سازمانی، بدون انضباط آهنینی که برای همه اعضا یکسان اجباری باشد نمی تواند توده ها را به آرمان خود جلب کند و رهبری کند و بالنتیجه وحدت خلق در پیرامون حزب و پیروزی بر دشمنان غیر ممکن می گردد. حزب بدون وحدت یا به صورت حزب ترنسکیستی و یا سوسیال دموکرات در می آید و یا از هم می پاشد.

کنفرانس فوق العاده حزب

کمیته مرکزی موقت برای جلوگیری از خطر وخیمی که حزب را تهدید می کرد به دعوت کنفرانس فوق العاده پرداخت که از ۲۸ تا ۲۹ جون ۱۹۴۲ در تیرانا به صدارت انورخوجه تشکیل شد. اعضای کمیته مرکزی، اعضای کمیته منطقه ئی و کمونیست های تیرانا در آن شرکت جستند. از آناستاس لولا و صدیق پرمت هم دعوت به عمل آمد.

فقط یک مسأله برای بررسی کنفرانس فوق العاده معین شده بود. اقدامات لازم برای امحای جریان فراکسیون نیستی سازمان بر افکن، و برای استقرار وحدت در حزب.

کوشش های متعدد حزب برای این که فراکسیون نیست ها به راه صواب در آیند هیچ نتیجه مثبتی به بار نیاورده بود و اینان همچنان به دنبال عملیات خرابکارانه و سازمان بر افکنانه خود بودند. کنفرانس نظر داد که «دیگر این کاسه لبریز شده است!»

دیگر فعالیت انشعابگرانه و عدم وحدت در حزب قابل اغماض نبود به ویژه در لحظات قاطعی که کشور البانی از سر می گذرانید، هنگامی که جنبش رهائیبخش ملی سریعاً رشد می یافت و می رفت که به صورت قیام همگانی در آید، هنگامی که وحدت خلق البانی در پیرامون حزب بیش از هر زمان ضرورت داشت.

کنفرانس چنین رهنمود داد:

«برای این که بتوانیم از عهده چنین وظائف سنگین و دشواری که در برابر ماست بر آئیم باید به هر قیمت شده اندیشه واحد و نظریات یکسان در کار سیاسی و همچنین در سازمان خویش داشته باشیم (از آنجا که وحدت لازمه کلیه احزاب لنینی - ستالینی است حزب ما نیز باید بر این مبانی بنیاد گذاری شود زیرا که وحدت ضروری است. شرط اساسی پیشرفت حزب است.)»^۱

به منظور تأمین وحدت و تحکیم حزب تصمیم گرفته شد که حزب از کلیه فراکسیون‌های اصلاح ناپذیر تصفیه شود و آنان بیدرنگ اخراج گردند. کنفرانس به سازمان های حزب دستور داد که نسبت به کسانی که خواسته بودند گور حزب را بکنند بی امان باشند.

کمیته مرکزی خطا های آنستاس لولا و صدیق پرمت و نزدیکترین همراهان آن ها را مورد رسیدگی قرار داد و بر طبق ارزیابی ها و پیشنهاد هائی که در طی کنفرانس بیان شده بود تصمیم گرفت که آنها را برای مدتی نامعلومی از حزب اخراج کند. بعضی از فراکسیون‌های دیگر برای سه ماه از حزب اخراج شدند.

کمیته مرکزی کار های کنفرانس فوق العاده و تصمیماتی را که علیه رهبران عمده جریان فراکسیون‌های سازمان برافکن اتخاذ کرده بود به وسیله بخشنامه خاصی به اطلاع سراسر حزب رسانید و در عین حال از آنها خواست که در باره کلیه فراکسیون‌های هائی که در شهرستان ها مشغول فعالیت اند، تصمیم اخراج بگیرند.

رهنمود کمیته مرکزی حاکی از آن بود که معذک نباید فراکسیون‌های اخراجی از حزب را عاطل و باطل گذاشت بلکه باید به آنها یاری داد تا خطا های خویش را درک کنند و باید تمام مساعی خود را به کار برد تا کسانی از آنها که قابل اصلاح اند به صفوف حزب باز گردند. اما کسانی که عملیات دشمنانه خویش را ادامه دهند باید در معرض شدیدترین مجازات ها قرار گیرند.

بالاخره کمیته مرکزی می طلبید که اقدام به تصفیه به درستی فهمیده شود، به عنوان طرد فراکسیون‌های سازمان برافکن به منظور سالم ساختن حزب و استقرار وحدت تلقی شود نه به عنوان ایراد ضربه بر گروه سابق «جوانان». هرگز نمی بایست فقط به علت این که آنستاس لولا و صدیق پرمت و اکثریت فراکسیون‌های از این گروه برخاسته بودند علیه گروه در مجموعه خود رأی داده شود. عده کمتری از کمونیست های گروه «جوانان» همکار فراکسیون‌های نشده، در ثبات قدمی و فداکاری نسبت به حزب آزمایش داده و در کنار سایر رفقاء در صفوف مقدم مبارزه جای گرفته بودند.

تصمیمات کنفرانس مشورتی کادر های فعال حزب و تصمیمات کنفرانس فوق العاده و همچنین رهنمود های کمیته مرکزی مورد تأیید کامل سازمان های حزب در سراسر کشور قرار گرفت. حزب در اندک مدتی از فراکسیون‌های و انشعابگران تصفیه شد و صفوف وی با صد ها عضو جدیدی که در مبارزه آزموده شده و به آرمان خلق و کمونیسم وفادار بودند، تقویت گردید. بسیاری از پیروان جریان فراکسیون‌های خطای خویش را به خوبی دریافتند، از سران ترسکیست جدا شدند و از جان و دل با حزب پیمان بستند که با عزم راسخ در راه صحیح وی به پیش روند.

تلاشی جریان فراکسیون‌های سازمان برافکن موجب حدت هشیاری کمونیست ها شد و به زندگی درونی حزب نیروئی تازه بخشید. مبارزه علیه فراکسیون‌های در عین حال نقص ها و ضعف های دیگری را که مانع کار حزب و تقویت وی می شدند، آشکار ساخت.

در همین دوره، کمیته مرکزی فعالیت انشعابگران مصطفی کژی نیشی، کوچوتاشکو و چند عضو دیگر را که از انشعاب نشدن به کمیته مرکزی و کمیته های منطقه ئی حزب ناراضی بودند، محکوم ساخت. این افراد در مذاکرات خود

^۱ - بخشنامه کمیته مرکزی حزب کار کمونیست البانی به مناسبت محکوم ساختن فعالیت خصمانه گروه آناس لولا و صدیق پرمت به وسیله کنفرانس فوق العاده حزب. جولای ۱۹۴۲. اسناد عمده حزب کار البانی جلد اول صفحه ۸۱

با حزبی‌ها و بی‌حزب‌ها هر رهنمود حزب را از اعتبار می‌انداختند، گاهی می‌گفتند عجولانه است، گاهی دیر است، گاهی می‌گفتند سکتاریستی است، گاهی می‌گفتند اپورتونیستی است و ناخشنودی احتمالی بعضی از عناصر را بر می‌انگیختند. منظور از این تشبیهات آن بود که نسبت به رهبری حزب بی‌اعتمادی ایجاد کنند. کمیته مرکزی بارها به آنان اندرز داد که از این فعالیت ضد حزبی دست بردارند.

در مبارزه برای جریان فراکسیون‌یستی و استقرار وحدت در حزب، گرایش‌های انشعاب‌گرانه در درون کمیته منطقه‌ئی ژیروکاسترو به ظهور رسید. این کمیته رهنمودهای کمیته مرکزی را در باره مبارزه مسلحانه و دسته‌های پارتیزانی، در باره شورا‌های رهائی ملی، جوانان و غیره یا اجراء نمی‌کرد و یا تحریف می‌کرد. از فعالیت خویش به کمیته مرکزی گزارش نمی‌داد و رهنمودها و اسناد عمده تبلیغاتی را که خود صادر می‌کرد به کمیته مرکزی نمی‌فرستاد. آن مسؤل اصلی که مشوق این گرایش به شمار می‌آمد «بدری اسپاهیو» بود که در آن موقع دبیری سیاسی کمیته منطقه‌ئی را بر عهده داشت.

کمیته مرکزی اهمیت خاصی برای این پدیده‌ها قائل شد، گرایش‌های انشعاب‌گرانه در درون کمیته منطقه‌ئی ژیروکاسترو را سخت محکوم ساخت، آن را منحل گردانید و انتخاب کمیته جدیدی را سازمان داد. تصمیمات مجدانه کمیته مرکزی موقت و پشتیبانی کامل کلیه سازمان‌های حزب از تصمیمات مذکور این امکان را به وجود آورد که روحیه گروهی و فراکسیون‌یستی ریشه‌کن شود و خطری که حزب کمونیست جوان را تهدید می‌کرد از میان برخیزد و وحدتی استوار، وحدتی پیکارجویانه، وحدتی بر اساس مارکسیسم، لنینیسم در درون حزب تأمین گردد.

ادامه دارد...